

جان فورن و نظریه پردازی انقلاب‌ها*

• دکتر عباس خلجی^۱

چکیده

در این مقاله، پس از معرفی مختصر کتاب نظریه‌پردازی انقلاب‌ها^۲ و شرح خلاصه‌ای از مطالب آن، محتوای آن از جهت شکلی و محتوایی نقد و بررسی شده است. کتاب، نقاط قوت زیادی دارد و در عین حال، کاستی‌هایی نیز در آن مشاهده می‌شود که مستلزم مطالعه نقادانه و بازنگری با افزودن توضیح‌های لازم در پاورقی‌ها است. در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله، پیشنهادها و توصیه‌های سازنده‌ای ارائه شده است.

۱. مقدمه

نظریه‌پردازی درباره تحولات سیاسی و اجتماعی به طور عام و «انقلاب» به طور خاص، گرایشی علمی در میان صاحب‌نظران و اندیشمندان جامعه‌شناسی سیاسی به شمار می‌رود. سده بیستم با توجه به تحولات مهم و بنیادینی که در عرصه سیاسی و اجتماعی به ویژه انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی بزرگی که در سه دهه پایانی آن روی داد، قرن انقلاب‌ها نام گرفته است. جان فورن نیز تأکید می‌کند که «سده بیستم را در مقایسه با زمان‌های قبل از آن، می‌توان عصر انقلاب‌ها نام نهاد.» (ص ۳۹۸). کانون اصلی این انقلاب‌ها، به طور عمده در کشورهای جهان سومی امریکای مرکزی و جنوبی، افریقا و آسیا قرار داشته است. بنابراین، از سوی صاحب‌نظران، «قرن بیستم، قرن انقلاب‌ها نامیده شده است.» (ص ۲۱۲) آغاز هزاره سوم میلادی، نویدبخش این پیام بود که عصر انقلاب‌های مدرن و خونین به پایان رسیده است و دیگر چنین رهیافتی در نظریه‌های انقلاب پاسخگوی تبیین تحولات انقلابی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نخواهد بود. به عبارت بهتر، طلعه هزاره جدید، تحول در گفتمان انقلاب بود. این

* نامه علوم انسانی، شماره ۱۶، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، صص ۷۷-۱۰۹.

پیش‌بینی با انقلاب‌های آرام^۳ و بدون خونریزی - ولی بنیادین و ساختارشکن - که در یک سال اخیر در برخی کشورهای جهان روی داد، تأیید می‌شود. در واقع، جهان شاهد گونه‌های جدیدی از انقلاب است که بدون هرگونه توسل به خشونت و خونریزی، در نظام سیاسی و اجتماعی یک کشور، تغییرات اساسی به بار می‌آورد. به نظر می‌رسد این تحول در ماهیت انقلاب، ناشی از پیامدهای فرایند جهانی‌سازی در گستره گیتی باشد - که خود موضوع بحث دیگری است. برای تمایز انواع جدید انقلاب، می‌توان از اسامی «انقلاب مخملی»، «انقلاب نرم‌افزاری»، «انقلاب رسانه‌ای» و «انقلاب رنگین» بهره جست. آفتاب عمر چنین انقلاب‌هایی نخستین بار در آغاز دهه ۹۰ سده بیستم طلوع کرد؛ اما نتوانست گستره جهان را در برگیرد و تنها در اروپای شرقی محدود ماند. رویدادهای سیاسی ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ در اروپای شرقی (به جز رومانی) به طور کلی بدون خشونت تحقق یافت. این رویدادها در چکسلواکی چنان آرام بود که «انقلاب مخملی» نام گرفت؛ و تحولات سیاسی و اجتماعی که در کشورهای گرجستان، اوکراین و قیرقیزستان اتفاق افتاد، به ترتیب انقلاب مخملی، انقلاب نارنجی و انقلاب سفید نامیده شد.^۴

این تحولات بدون توسل به خشونت، درگیری و خونریزی و با آرامی به سقوط نظام سیاسی و جایگزینی نظام سیاسی طرفدار غرب منجر شد و تغییرات اجتماعی مهمی به بار آورد. بر این اساس و با توجه به تفاوت ماهوی این گونه انقلاب‌ها با انقلاب‌های مدرن، می‌توان آنها را در ردیف انقلاب‌های پست‌مدرن طبقه‌بندی کرد.

با این حال، نظریه‌پردازی درباره انقلاب‌ها به پایان نرسیده است و هنوز این رهیافت علمی در کانون توجه و مرکز بحث حوزه جامعه‌شناسی سیاسی قرار دارد؛ زیرا برای تبیین انقلاب‌های نوین، ابتدا باید به بررسی انتقادی نظریه‌های مدرن انقلاب پرداخت و سپس نظریه‌های جدیدی ارائه کرد که توانایی تبیین گونه‌های اخیر انقلاب را داشته باشند. از این رو، معرفی و نقد کتاب *نظریه پردازی انقلاب‌ها*، اثر جان فورن اهمیت بی‌سزا دارد. به طور کلی، در این کتاب، ضمن بررسی فراگیر نظریه‌های انقلاب و توصیف، تحلیل و تبیین مصداقی بیشتر انقلاب‌های جهان، و ارائه یک چهارچوب نظری مقایسه‌ای از انقلاب‌های جهان سومی، چشم‌اندازی فراگیر و تقسیم‌بندی‌ای نوین از نظریه‌های انقلاب به دست داده شده است. بنابراین، مطالب کتاب در مقایسه با مطالب کتاب‌های مشابه^۵ در زبان فارسی، افق جدیدی بر روی خوانندگان و پژوهشگران می‌گشاید.

کتاب حاضر، حاصل کار هشت نویسنده مختلف است که هر یک با دیدگاهی متمایز و بر محور موضوعی متفاوت و تخصصی به بررسی نظری انقلاب پرداخته‌اند. اما گردآوری، هدایت، سازمان‌دهی و کارگردانی این مجموعه را جان فورن بر عهده داشته و لذا روش علمی و جهت‌گیری تحلیلی و استدلالی وی، تأثیری اساسی در سامان‌دهی و تدوین این اثر داشته که مقدمه و دو مقاله پایانی و نتیجه‌گیری کتاب، نشانگر این تأثیر است. به عبارت دیگر، کتاب مجموعه مقالاتی را دربرمی‌گیرد که چهارچوب نظری و روش علمی آن را فورن پایه‌ریزی کرده و روح تحلیلی خود را در آن دمیده است.

این مقاله انتقادی، پس از طرح بحث مقدماتی و بیان مسئله، در چند بخش تدوین و ارائه می‌شود: **نخست**، معرفی مختصر کتاب و تبیین جایگاه ایران و تحولات انقلابی آن در متن؛ دوم، بررسی شکلی

اثر؛ سوم، بررسی و نقد محتوایی متن؛ چهارم، جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد و توصیه‌های سازنده و اصلاحی برای بهبود کیفیت شکلی و محتوایی اثر. امید است مقاله انتقادی حاضر برای خوانندگان و پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه نظریه‌های انقلاب مفید و قابل استفاده باشد.

۲. معرفی کتاب

۲-۱. کلیات

کتاب *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*، از پیشگفتار مترجم (فرهنگ ارشاد) و مقدمه و ویراستار (جان فورن)، دو بخش و نه فصل تشکیل و با واژه‌نامه انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی، کتابنامه و نمایه آراسته شده است.

مترجم محترم در ابتدای پیشگفتار، نویسنده [ویراستار] مجموعه و سایر آثارش را معرفی کرده و به طور مختصر مزایای کتاب را برشمرده و دیدگاه انتقادی خود درباره مطالب متن را شرح داده است. مقدمه، حاوی مطالبی است که با قلم رسای فورن، به طرح بحث، بیان مسئله، و شرح اهداف مجموعه پرداخته و به طور مختصر، محتوای تک‌تک مقاله‌ها و نویسندگان آنها را معرفی کرده است. به نظر وی، «شاید گفتمان انقلاب در حال تغییر است [...] و شاید کنشگران و فعالان انقلاب در حال عوض شدن هستند [...] اما] در هر حال، انقلاب تا پایان تاریخ با ما خواهد بود.» (ص ۱۵)؛ بنابراین، «تنها مطالعه ژرف تاریخی و بررسی گسترده جغرافیایی می‌تواند آینده انقلاب را روشن سازد.» (همان). به همین دلیل، برداشت‌های نظری و علمی مختلف در این کتاب بررسی می‌شود.

بخش اول: مرز ساختارها، چهار فصل را در برمی‌گیرد و نگاهی ساختارگرایانه به بحث نظریه-پردازی‌های انقلاب‌ها دارد.

فصل اول: رویکردهای دولت محوری درباره انقلاب‌های اجتماعی، نوشته جف گودوین، با بحثی کوتاه بر پایه رویکردهای دولت محوری، گونه‌های چهارگانه نظریه‌های دولت - استقلال، دولت - توانایی، دولت - فرصت‌یابی سیاسی، و دولت - ساختمان‌گرایی را مطرح و نقاط قوت و ضعف و محدودیت‌های آن را به طور نقادانه بررسی کرده و وضعیت انقلاب کوبا را به عنوان شاهد مدعا مورد مطالعه قرار داده است. نویسنده قلمرو و چشم‌انداز مفهوم «دولت» را چنان گسترش می‌دهد که روابط و تأثیرهای آن بر ساختارها و کنشگران دیگر - عرصه بین‌المللی، جامعه مدنی و فرهنگ سیاسی - را دربرگیرد.

فصل دوم: نظریه‌های ساختاری درباره انقلاب، اثر تیموتی ویکام - کراولی، افق چشم‌اندازهای ساختاری انقلاب را دنبال می‌کند. وی انواع مختلف نظریه‌پردازی‌های ساختاری را معرفی و نقاط قوت و ضعف و توانایی تحلیلی و تبیینی این دیدگاه را بررسی می‌کند. او درمی‌یابد که دیدگاه ساختارگرایان و فرهنگ‌گرایان تا اندازه زیادی در تداوم همدیگر و مکمل یکدیگر هستند؛ زیرا ساختارگرایان همواره به علل انقلاب توجه داشته و فرهنگ‌گرایان به پیامدهای آن اندیشیده‌اند. بنابراین، هیچ کدام به تنهایی به نتیجه نمی‌رسند و باید به تمهید سازوکار هماهنگ‌کننده و انسجام‌بخشی پردازند.

در **فصل سوم:** کارگزاران انقلاب، نوشته ریچارد لاکمن، درباره نقش نخبگان، به ویژه ستیز نخبگان در وقوع تحولات انقلابی و اثر متقابل انقلاب بر ستیز نخبگان و ساختارهای اجتماعی بحث می‌شود. بحث لاکمن درباره نخبگان و توده‌ها است و او مقوله انقلاب را در روش‌های منحصر به فردی دسته‌بندی می‌کند. لاکمن درمی‌یابد که نخبگان از چالش‌های انقلابی توده‌ها در امان هستند و در مواردی نیز ناکام می‌شوند؛ و طرح نظریه‌ای درباره موفقیت یا شکست کنشگران انقلاب در دسترسی به قدرت و تأثیرهای ساختاری «موفقیت» را نتیجه می‌گیرد.

فصل چهارم: افزایش جمعیت و بحران‌های انقلابی، تألیف جک گلدستون، بررسی رابطه افزایش جمعیت و بحران‌های سیاسی را در مرکز توجه قرار می‌دهد و نگاهی ساختارگرایانه به فرایند افزایش جمعیت، همراه با توسعه محدود و ناهماهنگ دارد. این فرایند به ۱. کاهش توانایی دولت، ۲. ستیز نخبگان، و ۳. توانایی بسیج توده‌ای منجر می‌شود پیامد آن، بحران‌های سیاسی است. نویسنده می‌خواهد تأثیر جمعیت‌شناختی بر انقلاب را به واسطه نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تشریح کند. او با مطالعه نمونه‌های گوناگون انقلاب در جهان و با کمک یک دسته عوامل کلیدی، پیوندهای میان افزایش جمعیت و بحران‌های سیاسی را بررسی می‌کند. این عوامل کلیدی عبارت‌اند از: کاهش توانایی دولت برای اداره جامعه، از خود بیگانگی کنشگران نخبه، و فعال شدن جنبش توده‌ای که در آن مردم شهرنشین و جوانان سهم برجسته‌ای در شکل‌گیری پیامدهای انقلاب دارند.

بخش دوم، بازنگری فرهنگ و کارگزاری نام دارد و فصل پنجم تا نهم را شامل می‌شود. در این بخش، نقش کارگزاری انقلابی، اساسی‌تر تلقی می‌شود. کارگزاران فرهنگی، اندیشه‌ها و آرمان‌ها، جنسیت، نژاد، و گفتمان هستند که به عنوان کارگزار واقعی انقلاب معرفی می‌شوند و نقش آنها در بحران‌های انقلابی به محک ارزیابی و نقادی نهاده می‌شود. درواقع این بخش، «فرهنگ را به مرکز مطالعه انقلاب‌ها فراخوانده و برنامه کار خود را از بررسی‌های ساختارگرایی محض جدا نموده است.» (ص ۲۷۲). وجه تمایز اصلی بخش اول و دوم در همین نکته نهفته است.

در **فصل پنجم،** انقلاب در جهان واقعی، نوشته آریک سلبین، با تأکید بر نقش کارگزاران فرهنگی و اندیشه‌سازان انقلابی، این باور پرورنده می‌شود که امروزه نظریه‌های ساختاری به تنهایی نمی‌توانند اشکال خاص وقوع انقلاب‌های اجتماعی را به طور مطمئن معین کنند؛ بنابراین باید مردم را از نو به میدان تحلیل آورد، زیرا «انقلاب‌ها ظهور نمی‌کنند، بلکه ساخته می‌شوند.» (ص ۱۸۰).

در **فصل ششم:** جنسیت و انقلاب‌ها، اثر والتین م. مقدم، نقش زنان در شکل‌گیری انقلاب‌ها، و انقلاب‌ها و پیامدهای جنسیتی آنها به بحث نهاده شده و الگوهای نمونه‌ای از انقلاب الجزایر، انقلاب ایران، و انقلاب در کشورهای اروپای شرقی یادآوری شده است. به زعم نویسنده، «آرمان‌ها و کنش‌های سیاسی، فارغ از مقوله جنسیت نیستند و تحول اجتماعی و شکل‌گیری دولت، مستلزم تغییر در مناسبات جنسیتی، پیکربندی جدید طبقاتی و مناسبات مالکیت است.» علاوه بر آن، «تفاوت‌گذاری بین انقلاب‌ها برحسب پیامدهای جنسیتی، گویای آن است که جنسیت در حقیقت بعدی همسته در فرایند انقلابی است و باید از سوی جامعه‌شناسان انقلاب، ارزش مفهومی به آن داده شود.» (ص ۲۱۳)

فصل هفتم: نژاد و فرایند انقلاب‌های امریکایی را کریستوفر مک اولی به رشته تحریر درآورده و در آن، رابطه نژاد و انقلاب‌های ضداستعماری، جنگ‌های هویت‌یابی و استقلال‌طلبانه، و خودمختاری‌خواهی، بررسی شده است. نویسنده بر این اعتقاد است که یک انقلاب اصیل باید رشته‌های فرهنگی - نژادی و نیز خواسته‌های مادی جوامع سیاه‌پوست و سرخ‌پوست را در تار و پود انقلابی در هم تند. از جنبه عملی، ویژگی‌های نژادی - فرهنگی هر دو اجتماع، ضرورتاً خواسته‌های یک طبقه انقلابی را متبلور می‌سازد؛ زیرا شمار زیادی از سیاهان و سرخ‌پوستان در طبقه کارگر قرار دارند. با این حال، «بی‌تردید نژاد به تنهایی عامل نهایی پیروزی یا شکست یک انقلاب امریکایی نیست؛ اما این هشدار، اهمیت نژاد را چه در راهبردهای جنبش‌های انقلابی و چه در پیامدهای آن منتفی نمی‌کند.» (ص ۲۵۹).

عنوان فصل هشتم، گفتمان‌ها و نیروهای اجتماعی است که جان فورن آن را تدوین و تألیف کرده است. در این فصل، نقش فرهنگ و مطالعات فرهنگی در سیاسی مقاومت و مخالفت» به کمک گرفته می‌شود و از سوی دیگر، چگونگی تفسیر و بازسازی این فرهنگ با نیروهای اجتماعی انقلابی ارزیابی می‌شود. در نتیجه، «فرهنگ» نقشی پیچیده و اساسی در ایجاد انقلاب و پیامدهای بعدی آن ایفا می‌کند. جان فورن، واپسین فصل کتاب را نیز - که حاصل جمع‌بندی نهایی رویکرد کتاب و نتیجه منطقی فصل‌های هشتگانه پیشین است - به نگارش درآورده است:

عنوان فصل نهم، جامعه‌شناسی تطبیقی - تاریخی انقلاب‌های اجتماعی کشورهای جهان سوم است. در این فصل، علل انقلاب‌های مختلف در جهان سوم بررسی و طیف وسیعی از انقلاب‌های گوناگون شناسایی و معرفی شده است، که عبارت‌اند از: انقلاب‌های اجتماعی موفق، انقلاب‌های اجتماعی نافرجام، انقلاب‌های اجتماعی ضداستعماری، انقلاب‌های اجتماعی واژگون‌شده، انقلاب‌های سیاسی، تلاش‌های غیرانقلابی یا عدم تلاش برای انقلاب. هدف نویسنده این است که با توجه به پیامدهای گوناگون انواع متفاوت انقلاب‌ها، الگوهای تحلیلی و مشخص فراهم سازد. این روش، براساس تحلیل بولین یا جدول واقعیت‌های بولین و با تدوین دقیق جدولی از واقعیت‌ها صورت گرفته است که به پژوهشگر امکان می‌دهد الگوهای عمده ترکیبی از علل اصلی پیروزی یا ناکامی انقلاب‌ها را دسته‌بندی کند. همچنین، عوامل مربوط به آزمون و تحلیل، از مدل نظری درباره ریشه‌های انقلاب‌های اجتماعی در جهان سوم استخراج شده است. درواقع، این عوامل با استفاده از انقلاب‌های مکزیک، کوبا، ایران و نیکاراگوئه اقتباس و در اینجا استفاده شده است. به عبارت دیگر، علل و عوامل پیروزی یا شکست تلاش‌های انقلابی در قالب جدول‌های دقیقی دسته‌بندی و نظریه‌های منطقی از آنها استخراج و ارائه شده است.

۲-۲. جایگاه تحولات انقلابی ایران معاصر در کتاب

تحولات سیاسی و اجتماعی ایران معاصر، به ویژه انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ به عنوان انقلاب‌های مهم سده بیستم، جایگاه برجسته‌ای در این کتاب دارند. درواقع، در خلال مطالب کلیه فصل‌های اثر، به این تحولات، به ویژه انقلاب اسلامی اشاره شده و به فراخور موضوع، تحلیل و تبیین مناسب به عمل آمده است. مهم‌تر از همه، در فصل نهم، انقلاب اسلامی ایران در شمار پنج انقلاب

اجتماعی موفق جهان سوم قرار گرفته و وجود همه پنج عامل علی انقلاب‌های موفق در آن تأیید شده است.

در مقدمه کتاب، دو الگوی عمده نقش زنان در انقلاب‌ها به این ترتیب عنوان شده است: ۱. الگوی آزادی زنان در انقلاب‌های سوسیالیستی که با انقلاب روسیه شروع شد و در آن، بر برابری جنسی بیش از تفاوت جنسی تأکید می‌شود؛ ۲. الگوی زنان در خانواده که انقلاب فرانسه به طور متناقض پیشرو آن بود و انقلاب‌های مکزیک، الجزایر، ایران و کشورهای اروپای شرقی در قرن بیستم از آن پیروی کردند. در همه این موارد، زنان نقش مهمی در شکل‌گیری انقلاب داشتند. (ص ۲۱)

جنبش‌های انقلابی پرتوان در سده بیستم، در فضایی انحصارطلبانه رشد کرده‌اند: بلشویک‌ها در روسیه، کمونیست‌ها در چین و ویتنام، جنبش ۲۶ ژوئیه کاسترو در کوبا یا ائتلاف گسترده مخالفان شاه در ایران و جنبش‌های چریکی امریکای مرکزی (ص ۳۶)؛ زیرا حکومت‌های خودکامه یا دیکتاتوری‌های موروثی نوین، در برابر حرکت‌های انقلابی بسیار آسیب‌پذیر هستند مانند نهاد سلطنت مطلقه در چین، ایران و روسیه (ص ۳۸). همچنین، بر تأثیر مسلم آرمان یا ایدئولوژی و جنبش‌های آرمان‌گرا در شکل‌دهی پیامدها و رفتارهای انقلابی در ایران و نیکاراگوا تأکید و کاربرد تحلیل اسکاچ‌پل در بررسی انقلاب ایران تأیید می‌شود. بر این اساس، توانایی طغیان طبقات پایین، حاصل تلفیق انسجام ساختاری داخلی و استقلال ساختاری خارجی در برابر قدرت نخبگان است (ص ۷۷ و ۷۶).

به هنگام بررسی همبستگی میان فشار جمعیت و بحران‌های سیاسی، در فهرست اسامی ۲۵ کشور - که در دهه ۸۰ میلادی نرخ رشد سالانه ۳٪ و بیشتر داشته‌اند - نام ایران دیده می‌شود. از دیدگاه نویسنده، تعداد زیادی از این کشورها کانون عمده جنگ‌های داخلی، انقلاب‌ها و اعتراض‌های خیابانی بوده‌اند. این همبستگی چیزی بیش از یک همبستگی آماری ارزیابی می‌شود (ص ۱۴۶). اگر دولت و نخبگان بر سر علایق جمعیت رو به رشد، با یکدیگر به ستیز برخیزند، حتی دولت‌های با رشد اقتصادی بالا نیز نخواهند توانست دامنه ستیزه را کنترل کنند. برای مثال، در ایران، کوشش حکومت شاه برای کنترل جمعیت فزاینده و افزایش منابع دولتی، از یک سو، با بازاریان بر سر کنترل فرایند اقتصاد در حال رشد، و از سوی دیگر، با نخبگان مذهبی بر سر رهبری جمعیت فزاینده شهری، به ستیزه برخاست. بنابراین، ترکیبی از عوامل افزایش سریع جمعیت، توسعه محدود و ناموزون، و تخریب منابع روستایی، شرایطی به وجود می‌آورد که بخش عظیمی از مردم در فقر نسبی به سر می‌برند، در حالی که اقلیتی از مردم برای کسب ثروت بیشتر با هم رقابت می‌کنند. تورم، این توزیع نامتعادل منابع را تشدید می‌کند و به صورت بزرگ‌ترین تهدید برای تأمین درآمد طبقه متوسط نمایان می‌شود. در کشورهایی چون ایران، مصر و افریقای شمالی که بنیادگرایان اسلامی، ستیزه‌جویان و توده‌ها را به خدمت می‌گیرند، ترکیبی از تهدیدهای فیزیکی، کمبودهای شغلی و درآمدی و تورم سرکش، سربازان آماده و مستعدی را برای بروز اعتراض سیاسی به وجود می‌آورد. مبارزات انقلابی ناب، مانند ایران، نیکاراگوئه، فلسطین، الجزایر و پرو، جنبش‌های ایدئولوژیک یا آرمان‌گرایانه هستند. این جنبش‌ها، احتمالاً بر بنیادگرایی مذهبی، ملی‌گرایی، سوسیالیسم، لیبرالیسم یا ترکیبی از آنها متکی هستند که به صورت اعتراض و نافرمانی مدنی با حکومت ظاهر می‌شود. به طور کلی، ایدئولوژی‌های انقلابی سده بیستم در خاورمیانه، در بنیادگرایی مذهبی ریشه

داشتند: جنبش وهابی در عربستان، آزادی‌خواهی قانونمند در انقلاب مشروطه ایران و مبارزه‌های ضدامپریالیستی و ملی‌گرایانه بعد از آن، دولت‌های سوسیالیستی اقتدارگرا (ناصریسم در مصر و نظام‌های بعثی در عراق و سوریه) و رجعت به بنیادگرایی اسلامی در ایران، الجزایر و مصر. همه این آرمان‌ها ناپایدار بودند و زمینه آرمانی برای بسیج انقلابی را در برهه‌هایی از سده بیستم فراهم کردند (ص ۱۵۵ - ۱۵۳). کمک‌های ایالات متحده آمریکا به رژیم‌های وابسته نیز نتوانست از وقوع این انقلاب‌ها جلوگیری کند. دو فقره از بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین کمک‌های آمریکا در تاریخ معاصر، به سایگون و تهران شد. اما نه تنها هیچ کدام در حفظ دوستی این کشورها با آمریکا مؤثر نیفتاد؛ بلکه ویتنام و ایران به سوی جنبش‌های انقلابی سوق داده شدند و دشمنی خود را با آمریکا علنی ساختند. زیرا ایالات متحده آمریکا به نظام‌های حکومتی سابق این دو کشور کمک می‌کرد (ص ۱۵۶).

نویسنده فصل پنجم، تحت تأثیر پرواند آبراهامیان، جنبش‌های چپ‌گرای ایران را تا اندازه‌ای زیر نفوذ و تأثیر انقلاب کوبا و آثار چه گوارا ارزیابی می‌کند. به نظر وی، «آنها از سال ۱۹۶۳ با شاه مبارزه کردند و نقش قاطعی در پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ داشتند» (!) (ص ۱۷۲).

به نظر نویسنده فصل ششم، تحول در مناسبات جنسیتی در پیامدهای انقلابی، به ویژه در انقلاب‌های روسیه، چین و ایران، بسیار چشمگیر بود. در انقلاب ایران، جنسیت در ترکیب با روابط طبقه‌ای، یک عامل علی‌خیزش علیه رژیم شاه را به وجود آورد و دست کم بخشی از ائتلاف انقلابی را در جهت اسلامی کردن سوق داد. به عبارت دیگر، رشد چشمگیر زنان طبقه متوسط و زنان بورژوازی «غرب‌گرا»، موجبات آزار مردان لایه‌های پایینی طبقه متوسط را فراهم آورد که تمایل داشتند نقش سنتی زنان را به عنوان بخشی از اهداف انقلاب بهبود بخشند. به طور کلی، در همه انقلاب‌ها، شکل‌گیری همه رفتارها و تصمیم‌گیری انقلابی - از خرد و کلان و از الگوهای جنبش انقلابی، تشکیل دولت، مجلس مؤسسان، قانون اساسی و سیاست‌گذاری تا پویایی خانواده و روابط درون‌خانوادگی - عمیقاً تحت تأثیر آرمان جنسیت است (ص ۱۸۸). در انقلاب ایران، تعداد بی‌شماری از زنان شرکت داشتند. آنان مانند سایر گروه‌های اجتماعی، دلایل گوناگونی برای مخالفت با شاه داشتند: محرومیت اقتصادی، سرکوب سیاسی، تعیین هویت اسلامی، و گرایش به جامعه سوسیالیستی. بنابراین، تظاهرات خیابانی، گروه‌های عظیمی از زنان را دربرمی‌گرفت که به نشانه مخالفت با بورژوازی یا انحطاط غرب‌گرایانه رژیم پهلوی، با پوشش اسلامی به خیابان‌ها می‌آمدند. اما آنان انتظار اجباری‌شان حجاب را نداشتند. از این رو، بسیاری از زنان طبقه متوسط لیبرال و چپ‌گرا به این سیاست اعتراض کردند. اما زنان لایه‌های پایینی طبقه متوسط که پایه طبقاتی رهبری جدید اسلامی را تشکیل می‌دادند، از اسلامی شدن ایران حمایت می‌کردند؛ زیرا الگوی آنان، حضرت فاطمه زهرا (س) به عنوان اسوه شرافت، مبارزه و فداکاری بود. قانون اساسی نیز جایگاه زنان را در جامعه آرمانی اسلامی مطابق دیدگاه رهبری جدید ترسیم کرد: جایگاه زن در خانواده بر پایه بسیار ارزشمند مادری قرا گرفت که مسلمان مسئول تربیت کند؛ زیرا مقام مادری و کانون خانواده، ارزشی اجتماعی تلقی می‌شد. نویسنده، در ارزیابی نهایی نتیجه گرفته است که به طور کلی، جمهوری اسلامی وظیفه حفظ خانواده و همبستگی اجتماعی را به زنان منسوب کرده و وحدت انقلاب اسلامی، از طریق

حفظ حجاب و هماهنگی کامل، بیانگر نقش بارز ایرانیان در شکل دادن انقلاب از نوع پدرسالاری است! (ص ۲۰۰ - ۱۹۸).

در فصل هشتم، برای بررسی انقلاب از چشم‌انداز فرهنگی، مورد انقلاب ایران از انقلاب‌های ناب تحلیلی و مصداقی ارزیابی می‌شود. البته در بررسی انقلاب‌ها، توجه به اندیشه فرهنگ اجتناب‌ناپذیر است. فریده فرهی با گسترش این الگو برای بررسی انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه، می‌نویسد: «فعالیت‌های فرهنگی، جهت‌گیری‌ها، نظام‌های معنی‌سازی، و چشم‌اندازهای اجتماعی، در ساختن انقلاب تأثیر دارند.» (ص ۲۷۱). فورتن نیز بر اساس آثار پیشین خود تأکید می‌کند که انقلاب ایران با ائتلاف گسترده‌ای از نیروهای اجتماعی ستم‌دیده شکل گرفت و با همبستگی‌های مردمی متشکل از طبقات اجتماعی گوناگون عمل شد. اما در این کتاب، این نکته را از دو جهت باز می‌کند: ۱. آن را به موارد دیگر ارتباط می‌دهد؛ ۲. بحث روشنگری درباره فرایندهایی که طی آنها همبستگی‌های یاد شده به کمک فرهنگ‌های سیاسی مخالف شکل می‌گیرد، ارائه می‌کند. با این حال، وی بر این عقیده است که فرهنگ، محور فهم فرایندهای انقلابی است؛ خواه براساس بینش سلین درباره حفظ ائتلاف باشد یا براساس شناخت بلایایی که قدرت انقلاب را تهدید می‌کند (ص ۲۷۴).

به نظر فورتن، انقلاب ایران مطالعات نسلی نو از پژوهشگران را مستقیماً به حوزه فرهنگ کشاند و ارزیابی تأثیر اسلام انقلابی را در ایجاد انقلاب ضروری ساخت. در این پژوهش‌ها، نوعی اسلام همگن تصور می‌شود که تنها علت رویدادهای انقلاب معرفی می‌شود. در حالی که فرهنگ‌های سیاسی پشتیبان انقلاب، بین‌گفتمان‌های عرفی (سکولار) و اسلامی پلی ساختند که نیروهای مختلف اجتماعی سازنده انقلاب را به گونه‌ای متمایز جذب کرد. این گروه‌ها عبارت بودند از: ۱. اسلام مبارزه‌جویانه امام خمینی، ۲. اسلام رادیکال شریعتی، ۳. اسلام لیبرال بازرگان، ۴. ملی‌گرایی دموکراتیک جبهه ملی، ۵. مارکسیسم متعارف حزب توده، ۶. مارکسیسم رادیکال فداییان خلق، ۷. سوسیالیسم اسلامی مجاهدین خلق.

در همه رگه‌های فرهنگی مخالف رژیم ایران، دو عنصر مشترک عمده وجود داشت: اول اینکه همه خواستار پایان اقتدار شاهنشاهی بودند؛ دوم اینکه روابط میان ایران و ایالات متحده آمریکا باید بازنگری و متضمن وابستگی کمتر می‌شد. امام خمینی تجسم بارز این دو خواست همگانی بود؛ که حمایت همه بخش‌های جنبش انقلابی را جلب کرد، یا اینکه دست کم همه آنها به رهبری نمادین ایشان احترام گذاشتند. اما هوشیارانه، جنبه‌های متعارض برنامه کار خود (یعنی موضع ضد کمونیستی دولت اسلامی) را رقیق کرد تا از این زاویه بتواند حداقل رضایت رقبای سازمان یافته خود را - در بین نیروهای چپ و لیبرال، در هر دو دیدگاه عرفی و شرعی - به دست آورد. (ص ۲۷۷ - ۲۷۶)

در فصل نهم، علل انقلاب‌های مختلف جهان سوم بررسی و براساس علت‌های موجد انقلاب، دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه می‌شود؛ که انقلاب ایران جزء دسته اول - یعنی انقلاب‌های موفق اجتماعی - قرار می‌گیرد.

دسته‌بندی کلی انقلاب‌ها به این ترتیب است:

۱. انقلاب‌های موفق: مکزیک (۱۹۲۰ - ۱۹۱۰)، چین (۱۹۴۹ - ۱۹۱۱)، کوبا (۱۹۵۹ - ۱۹۵۳)، ایران (۱۹۷۹ - ۱۹۷۷)، و نیکاراگوئه (۱۹۷۹ - ۱۹۷۷)؛

۲. جنبش‌های اجتماعی ضداستعماری: الجزایر، ویتنام، آنگولا، موزامبیک، زیمبابوه؛
 ۳. انقلاب‌های موفق کوتاه مدت: گواتمالا، شیلی، جامائیکا، گرانادا؛
 ۴. انقلاب‌های نافرجام: السالوادور، گواتمالا، پرو؛
 ۵. انقلاب‌های سیاسی: چین، بولیوی، هائیتی، فیلیپین؛
 ۶. تلاش‌های غیر انقلابی، در جوامعی که از سایر راه‌ها، تحولی سریع در کشور ایجاد کرده‌اند، مانند کره جنوبی، تایوان، مکزیک، ترکیه، مصر، برزیل، آرژانتین، زئیر.
- هدف اساسی این دسته‌بندی‌ها آن است که با توجه به پیامدهای گوناگون آنها، الگوهای تحلیلی مشخصی فراهم شود. برای طبقه‌بندی انقلاب‌ها، از دیدگاهی تألیفی استفاده شده است که در آن، بر توازن میان عوامل دوگانه - مانند ساختار و کارگزاری، اقتصاد سیاسی و فرهنگ، دولت و ساختار اجتماعی، و عوامل داخلی و خارجی - تأکید می‌شود. در واقع، برای اینکه یک انقلاب اجتماعی موفق شکل گیرد، پنج عامل علی باید با هم ترکیب شوند: «۱. توسعه و ابسته؛ ۲. حکومت سرکوبگر، انحصارگرا و متکی به شخص؛ ۳. شکل‌گیری و تبلور فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و بحران انقلابی همراه با ۴. رکود اقتصادی؛ ۵. ارتباط باز با نظام جهانی (یعنی امکان نفوذ خارجی)». (ص ۳۰۰). جمع این پنج عامل، شرایط مناسبی فراهم می‌سازد که موجب تقویت جریان انقلاب اجتماعی می‌شود. پژوهش‌های فورن درباره انقلاب‌های مکزیک، کوبا، نیکاراگوئه و ایران، به کشف این عوامل منجر شده است. برای مثال، وضعیت ایران در دوره شاه، الگوی قابل مطالعه‌ای از توسعه و ابسته بود، و افزایش بادکنکی درآمد نفت، تورم، مسکن نامناسب، بی‌نوابی روستاییان و مهاجرت به شهرها، از عوامل بارز آن به شمار می‌رفت. فرهنگ سیاسی در هر دو کشور ایران و کوبا، آمیزه‌ای فعال و گسترده از ملی‌گرایی، عدالت اجتماعی و مذهب بود؛ که راه اتحاد طبقات چندگانه را هموار ساخت و پس از رکود اقتصادی در آستانه انقلاب، گروه‌های مختلفی را که طبقات متوسط و تقریباً بالا را در برمی‌گرفت، دور هم جمع کرد (ص ۳۰۷). نظام باز جهانی با سیاست خارجی متمایل به حقوق بشر کارتر نیز کامیابی انقلابیون ایرانی و نیکاراگوئه‌ای را تسهیل کرد (ص ۳۲۴).

وضعیت چین در سال ۱۹۴۹، الگوی جالبی بود که بعدها سرمشق انقلابیون کوبا، مکزیک، ایران و نیکاراگوئه شد. به گفته بولین، چین نمونه بارز نمایش‌دهنده تمامی پنج عامل مذکور - یعنی توسعه و ابسته، دولت انحصارگر، فرهنگ‌های سیاسی فراگیر مقاومت، رکود اقتصادی و نظام باز جهانی - است که مظهر موفقیت‌آمیز این پنج انقلاب اجتماعی موفق جهان تلقی می‌شود. بنابراین، هر الگوی موفق، شامل عوامل پنجگانه ABCDE، نشانگر حضور همه پنج عامل است و این الگوی منحصر به فرد صرفاً در انقلاب‌های اجتماعی موفق یافت می‌شود که ایران نیز یکی از آنها است. (ص ۳۰۸)

۳. بررسی و نقد شکلی کتاب

۳-۱. نقاط قوت یا برجستگی‌ها

- به طور کلی سبک نگارش اثر روان و رسا است. برخی نارسایی‌ها و ابهام‌های جزئی نیز ناشی از سیطره ادبیات متن اصلی بر متن ترجمه است که با ویرایش دوباره قابل رفع است (نمونه‌ها در قسمت

بعد ارائه خواهد شد).

- قواعد ویرایش و نگارش در ترجمه متن - به طور کلی - رعایت و از ادات فارسی در جای خود استفاده شده است.

- کیفیت حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی کتاب مطلوب و مناسب است. در طرح جلد اثر نیز تصویری مبهم از یک چریک انقلابی در امریکای لاتین در درون یک زمینه دایره سرخ (به معنای خون) ترسیم شده است که چشم‌انداز تیره و تاریکی در برابرش قرار دارد. این طرح تقریباً با محتوا و مفاد کتاب هماهنگ است.

- اگر از این کتاب به عنوان یک منبع درسی، مثلاً برای درس اختیاری «انقلاب‌های جهان» در دوره کارشناسی رشته علوم سیاسی، بهره‌گیری شود، حجم کتاب برای یک درس چهار واحدی تناسب دارد؛ در غیر این صورت، حجم مطالب آن بیش از نیاز دروس دو واحدی و سه واحدی تلقی می‌شود.
- استفاده از شکل (هفت مورد) و جدول (هفت مورد) و تدوین و تنظیم واژه‌نامه‌های انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی بر مطلوبیت کتاب افزوده و نشانگر بهره‌گیری نویسندگان مقاله‌ها از ابزار علمی ضروری برای ارائه و تفهیم بهتر مطالب است.

۲-۳. نقاط ضعف یا کاستی‌ها

- همان‌گونه که اشاره شد، برخی نارسایی‌ها و ابهام‌هایی که در خلال مطالب کتاب مشاهده می‌شود، بر سلاست و روانی اثر لطمه می‌زند؛ از جمله: بند دوم صفحه ۴۳ (که جملات آن طولانی و نارسا است)، بند دوم صفحه ۶۸، سطرهای ۱۹-۱۶ صفحه ۸۴، بند سوم صفحه ۲۵۱، بند دوم صفحه ۲۵۲، سطر ۱۷ صفحه ۲۸۵ (که به نظر می‌رسد به جای «از ائتلاف»، به کار بردن «به ائتلاف» صحیح‌تر باشد).

- بعضی اشتباهات تاریخی، املائی یا تایپی در کتاب دیده می‌شود. برای نمونه:

۱. نام «سیمون بولیوار» - رهبر جنبش آزادیخواه امریکای جنوبی و مبارز نامدار ونزوئلایی - اشتباه به کار برده شده است؛ یعنی یک بار در صفحه ۲۲۹، [خانم] «سیمون دوبوار» - نویسنده چپ‌گرای فرانسوی - و دو بار «بولیوار» ذکر شده است.

۲. در سطر اول صفحه ۲۸۴، آمار مرگ و میر کودکان ۲۸ درصد ذکر شده که احتمالاً ۲/۸ درصد یا ۲۸ در هزار صحیح است.

۳. تاریخ دقیق انقلاب ۲۶ ژوئیه کوبا در صفحه‌های ۲۷۹ و ۲۸۰، میان سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۵ خلط شده است؛ که سال ۱۹۵۳ صحیح به نظر می‌رسد.

- اسامی همه نویسندگان مقاله‌ها، بر روی جلد کتاب ذکر نشده و کل مطالب اثر به ویراستار آن - یعنی جان فورن - نسبت داده شده است. در حالی که این کتاب، مجموعه مقاله‌های هشت نویسنده مختلف است که هر یک از چشم‌اندازی متفاوت به نظریه‌پردازی انقلاب‌ها نگریسته و تبیین موضوع خاصی را بر عهده داشته‌اند. بنابراین، زینبده است عنوان مجموعه مقالات و اسامی همه نویسندگان بر روی جلد کتاب افزوده شود.

- اسامی خاص برخلاف روال رایج، با قلم سیاه یا قلم کج (ایتالیک) از مطالب دیگر متمایز نشده است. ضمن اینکه این تمایزگذاری، بر زیبایی حروف‌چینی می‌افزاید.

در پایان این بخش می‌توان به طور کلی ارزیابی مثبتی از ابعاد شکلی اثر ارائه داد؛ زیرا، به طور اساسی، نقاط قوت و برجستگی‌های درخور توجه کتاب، برخی نکات منفی و کاستی‌های جزئی موجود را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، به عبارت دیگر، نقاط قوت چشمگیر اثر بر نقاط ضعف جزئی آن می‌چربد. با این حال، تقویت برجستگی‌ها و رفع کاستی‌ها به هنگام تجدید چاپ احتمالی کتاب، بر زیبایی و مطلوبیت جنبه‌های مختلف شکلی اثر خواهد افزود.

۴. بررسی و نقد محتوایی کتاب

۱-۴ نقاط قوت یا برجستگی‌ها

- نویسندگان مقاله‌ها، در جای جای اثر خود از انواع مختلف واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی در حوزه تحولات سیاسی و اجتماعی بهره برده و اثری کلاسیک و دانشگاهی ارائه داده‌اند. برخی از این واژه‌ها و اصطلاحات عبارت‌اند از: نافرجام، کارگزاران انقلاب، توده مردم، دولت، بسیج انقلابی، نظام حکومتی، استبداد، اقتدارگرایی، اجبار، قدرت، نیرو، زور، فشار، تنگنا، ناراضی، ناراضیتی، قهر، خشونت، خرابکاری، کارشکنی، توطئه، تبنانی، جنگ، جنگ ضداستعماری، جنگ داخلی، ستیزه، سرکوب، فروپاشی، خودمختاری، ائتلاف، مشارکت، مشروعیت، توسعه. برای آشنایی بیشتر با این واژه‌ها تخصصی، می‌توان به بخش واژه‌نامه‌های انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی کتاب در صفحه‌های ۳۵۷ - ۳۴۹ مراجعه کرد. بنابراین، وضعیت کتاب از حیث کیفیت کاربرد اصطلاحات تخصصی، مطلوب و بسیار مناسب ارزیابی می‌شود.

- مطالعه مطالب کتاب و مراجعه به بخش واژه‌ها، بیانگر آن است که مترجم محترم تلاش زیادی برای معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی به کار برده است؛ همچنین، در مواقع ضروری، برخی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی را در زیرنویس و پاورقی، به شکلی روشن و صریح توضیح داده است. البته گاهی همین توضیحات خود بر ابهام‌های موجود می‌افزاید - که در جای خود گفته خواهد شد. به طور کلی، کیفیت معادل‌سازی واژه‌های تخصصی در این اثر ترجمه مناسب است.

- نویسندگان مطالب، از بیشتر ابزار علمی لازم و ممکن - به فراخور موضوع بحث - برای تبیین دقیق و تفهیم بهتر مطالب خود بهره جسته‌اند: نخست، در مقدمه کتاب، زمینه‌های ورود به موضوع طرح شده است، به عبارت دیگر، طرح بحث و بیان مسئله به شکلی مناسب صورت گرفته است؛ دوم، در ابتدای هر یک از مقاله‌ها نیز طرح بحث مقدماتی و بیان مسئله مشاهده می‌شود؛ سوم، در مقاله پایانی کتاب یک جامعه‌شناسی تطبیقی - تاریخی از انقلاب‌های اجتماعی جهان سوم به عمل آمده است که جمع‌بندی مقاله‌های پیشین را در درون خود نهفته است و نتیجه‌گیری منطقی مباحث کتاب به شمار می‌رود. علاوه بر آن، در تمامی مقاله‌ها از ابزار علمی لازم، مانند طرح بحث مقدماتی، تقسیم‌بندی مناسب موضوع‌ها، تشریح دقیق مطالب، جمع‌بندی مباحث، نتیجه‌گیری نهایی، شکل، نمودار، جدول - در بیشتر

موارد، به طور مقایسه‌ای - استفاده شده است. فهرست شکل‌ها و جدول‌ها، نشانگر این امر است. البته کتاب فاقد هرگونه نقشه، تصویر، و آزمون است.

- کتاب با تقسیم‌بندی کلی انقلاب‌ها و رویکردها و رهیافت‌های اساسی در مطالعه انقلاب‌ها و نظریه‌پردازی درباره انقلاب‌ها، به رویکرد ساختاری (دولت محوری، ساختارگرایی، کارگزاری، و جمعیت‌شناسی) از یک طرف و رویکرد فرهنگی و کارگزاری (کارگزاری، جنسیتی، نژادی، گفتمانی، جامعه‌شناسی تطبیقی) از طرف دیگر، بیشتر نظریه‌های انقلاب را در برگرفته و در عین حال، افق جدیدی در حوزه نظریه‌پردازی انقلاب‌ها گشوده است. بنابراین، جامعیت موضوع و محتوای اثر به عنوان یک منبع و مرجع دانشگاهی و پژوهشی مناسب و مطلوب تلقی می‌شود.

- با توجه به نکته بالا، محتوای اثر کاملاً با عنوان آن مطابقت دارد؛ زیرا هدف کتاب، نظریه‌پردازی در حوزه انقلاب از چشم‌اندازهای مختلف و ارائه الگوهای دقیق و در عین حال کلان و تخصصی برای مطالعه و پیش‌بینی شرایط انقلاب و پیامدهای احتمالی آن است. در این راستا، رهیافت جدیدی درباره نظریه‌پردازی انقلاب‌ها در کتاب اتخاذ و ارائه می‌شود. اگر بتوان سرفصل‌های درس نظریه‌های انقلاب را به عنوان معیار ارزیابی مطالب و سرفصل‌های کتاب در نظر گرفت، باید گفت که رویکرد سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، رویکردی تاریخی و کلاسیک به نظریه‌های انقلاب و تحولات انقلابی است. بنابراین، ظاهراً مطالب این کتاب با سرفصل‌های مذکور هماهنگی و تطابق ندارد. با این حال، رویکرد اثر به صورت تلویحی، نظریه‌های کلاسیک در حوزه نظریه‌پردازی انقلاب‌ها، یعنی نظریه‌های کلاسیک و قدیمی و نظریه‌های رئالیستی، مارکسیستی، کارگردگرایانه، دورکهایمی، وبری، و روان‌شناختی را دربرمی‌گیرد؛ اما عناصر جدیدی مانند دولت، نخبگان، جنسیت (زن)، نژاد و قومیت، جمعیت، گفتمان و فرهنگ را به این حوزه ارتباط می‌دهد و بر غنا و گستره مفهومی در حوزه نظریه‌پردازی انقلاب‌ها می‌افزاید. بنابراین، با توجه به تطورات مفهومی و تحولات روش‌شناختی در حوزه تحولات سیاسی و اجتماعی، به ویژه نظریه‌پردازی انقلاب‌ها، سرفصل درس نظریه‌های انقلاب نیازمند بازنگری، اصلاح و روزآمدسازی است تا با نظریه‌های جدید از یک سو، و تحولات سیاسی و اجتماعی و انقلاب‌ها از سوی دیگر هماهنگ شود.

شایان توضیح است که مطاب کتاب حاضر، با سرفصل‌های درس اختیاری انقلاب‌های جهان در دوره کارشناسی رشته علوم سیاسی مطابقت چشمگیری دارد و نیازهای این حوزه درسی را برطرف می‌سازد؛ چرا که در آن، همه یا بیشتر انقلاب‌های جهان در قرن بیستم بررسی و درباره آنها نظریه‌پردازی شده است. بنابراین، داده‌ها و اطلاعات دقیق، دسته‌بندی شده، روزآمد و کامل و البته نظریه‌پردازی شده‌ای در اختیار خوانندگان و علاقه‌مندان گذاشته شده است. از سوی دیگر، هدف سرفصل‌های درس مذکور نیز بررسی تاریخی، اجتماعی و سیاسی انقلاب‌های جهان برای شناخت انگیزه‌ها و عوامل پیدایش انقلاب‌ها و پیامدهای آن است. از این رو، این کتاب حوزه‌ای گسترده‌تر از سرفصل‌های درس انقلاب‌های جهان را دربر می‌گیرد.

- به نظر می‌رسد این کتاب، با توجه به اینکه در آن، رویکرد جدیدی به نظریه‌پردازی انقلاب‌ها اتخاذ و در خلال آن به مصادیق مختلف انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی در نقاط مختلف جهان پرداخته شده

است - تا از طریق این مطالعات موردی، نظریه‌های انقلاب تبیین و الگوهای تحلیلی ارائه شود - اثر مناسبی برای تحقیق و پژوهش از یک سو، و تدریس در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی از سوی دیگر، باشد. با این حال، برای تکمیل مباحث موردنیاز و رفع کمبودهای کتاب می‌توان از آثار مشابه فارسی و انگلیسی بهره جست. فهرست آثار فارسی مشابه در بخش یادداشت‌ها آمده است.

- مقاله‌های کتاب در خلال نظریه‌پردازی انقلاب‌ها، داده‌های مهمی دربارهٔ انقلاب‌های جهان، به ویژه انقلاب‌های سدهٔ بیستم و تحولات انقلابی دهه‌های ۷۰، ۸۰ و - اوایل دههٔ ۹۰ میلادی ارائه می‌کنند. برای این منظور، نویسندگان از منابع و مراجع مختلف این دوره بهره برده‌اند. در واقع، گسترهٔ منابع غنی کتاب، تا سال ۱۹۹۶ میلادی را دربرمی‌گیرد. بنابراین روزآمدی داده‌ها و اطلاعات کتاب - با توجه به اینکه معمولاً آثار خارجی تقریباً پس از یک دهه به فارسی برگردانده می‌شوند - مناسب و قابل قبول ارزیابی می‌شود.

- چهارچوب نظری، روش مطالعاتی و شیوهٔ نظریه‌پردازی کتاب جدید و نو به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، کتاب افق جدیدی در حوزهٔ نظریه‌پردازی انقلاب‌ها می‌گشاید. این موضوع، به ویژه در نحوهٔ تقسیم‌بندی کلان نظریه‌ها و عطف توجه به موضوعاتی چون «افزایش جمعیت و بحران‌های انقلابی»، «جنسیت و انقلاب‌ها»، «نژاد و بحران‌های انقلابی» و «جامعه‌شناسی تطبیقی - تاریخی انقلاب‌های اجتماعی جهان سوم»، ملموس و محسوس است. در فصل آخر، علل کامیابی یا ناکامی انقلاب‌های جهان سومی به صورت مقایسه‌ای بررسی و انقلاب‌های موفق، نافرجام، واژگون شده، تلاش‌های غیرانقلابی، انقلاب‌های سیاسی، انقلاب‌های اجتماعی، و جنگ‌های ضداستعماری از هم تفکیک و به طور جداگانه دسته‌بندی و معرفی شده‌اند. در این راستا، از روش‌های آماری، معادله‌های ریاضی و جدول و شکل، استفاده شده است (ص ۳۴۷ - ۳۹۸). بنابراین، کتاب از حیث نوآوری و افق‌گشایی مطلوب و مناسب است و در مقایسه با آثار مشابه، ارزش علمی و محتوایی زیادی دارد.

- نظم و انسجام مطالب، با توجه به تقسیم‌بندی کلان و جزئی مطالب و چینش مقاله‌ها، بسیار دقیق، منطقی و هماهنگ است. مباحث کتاب با بررسی نظریه‌های ساختاری و به ویژه دولت محوری آغاز و به نظریه‌های کارگزاری، گفتمانی و نقش نیروهای اجتماعی در انقلاب‌ها، منتهی شده است. در مقالهٔ پایانی نیز یک مطالعهٔ تطبیقی از تمامی انقلاب‌های کامیاب و ناکام ارائه شده است.

- فهرست منابع مقاله‌ها از یک سو، و کتابنامه اثر از سوی دیگر، بیانگر کفایت و تنوع منابع مورد استفاده است (ص ۳۷۷ - ۳۵۶). در واقع، نویسندگان کتاب، نه تنها از کلیهٔ آثار موجود برای بررسی تخصصی موضوع و تبیین نظریهٔ خود بهره جسته‌اند، بلکه ویراستار متن، کتابنامه‌ای غنی و کم‌نظیر در حوزهٔ انقلاب‌ها فراهم کرده است. در این فهرست، جدیدترین آثار و پژوهش‌های مربوط به انقلاب‌های بزرگ معاصر، یعنی روسیه، چین، ایران و سایر انقلاب‌ها در قارهٔ اروپا (تحولات کشورهای اروپای شرقی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی)، قارهٔ آمریکا (کشورهای آمریکای شمالی، آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی، به ویژه مکزیک، نیکاراگوئه، کاستاریکا، گواتمالا، السالوادور، کوبا، جامائیکا، گرانادا، هائیتی، بلیوی، پرو، شیلی، برزیل، آرژانتین و...)، قارهٔ آفریقا (کشورهای مصر، الجزایر، آنگولا، زیمبابوه، موزامبیک،

زئیر و...) گردآوری و معرفی شده است. بنابراین، کفایت منابع کتاب بسیار خوب است و تنوعی از دیدگاه‌های مختلف را دربردارد. مهم‌تر اینکه از این منابع برای تبیین نظریه‌ها به خوبی استفاده شده است. - اگرچه امکان دسترسی به منابع اصلی برای تطبیق مطالب کتاب وجود ندارد، به نظر می‌رسد دقت در استنادها و ارجاع‌های مطالب خوب است و بیشتر مطالب به منابع و مراجع اصلی استناد و ارجاع داده شده است و درواقع، کمتر مطلبی را می‌توان یافت که فاقد منبع باشد، مگر مطالبی که تحلیل‌های شخصی، استنتاجات علمی و نتیجه‌گیری‌های مؤلفان از مطالب قبلی باشد.

- جهت‌گیری علمی و فلسفی ویراستار و گردآورنده این اثر - یعنی جان فورن - را از آثار قبلی‌اش می‌توان دریافت که به ایدئولوژی و روش‌های علمی چپ تمایل و گرایش داشته است. با این حال، به نظر می‌رسد این جهت‌گیری به دو دلیل در این کتاب تعدیل شده و به بستر انصاف و بی‌طرفی علمی غلتیده است: نخست اینکه تحولات سیاسی و اجتماعی آغازین سال‌های دهه ۹۰ میلادی در اروپای شرقی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از یک سو، و افول گفتمان چپ‌گرایی، انقلابی‌گری و رادیکالیسم سیاسی از سوی دیگر، و ظهور نحله‌های انتقادی و تجدیدنظرطلبانه در اندیشه‌های مارکسیستی و چپ-گرایانه از دیگر سو، و ظهور نحله‌های انتقادی و تجدیدنظرطلبانه در اندیشه‌های مارکسیستی و چپ-گرایانه از دیگر سو، اندیشمندان این نحله فکری را به بازنگری در مبانی فکری، اندیشه‌ها و آرای سیاسی و روش‌شناسی علمی خود واداشت؛ دوم اینکه فورن برای گردآوری، تنظیم و تدوین این اثر علمی، از قلم نویسندگان متعددی - که در دانشگاه‌های مختلف تدریس و پژوهش کرده‌اند و به مکاتب فکری گوناگون، به ویژه لیبرال دموکراسی تعلق خاطر دارند - یاری جسته است. این گروه پژوهشی، از محققان و صاحب‌نظران رشته‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی و به ویژه انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی به شمار می‌روند. بنابراین، جهت‌گیری علمی و فلسفی اثر، بی‌طرفانه و منصفانه و در راستای یک پروژه تحقیقاتی دانشگاهی ارزیابی می‌شود. جان کلام اینک اثر حاضر، درصدد ارائه یک جمع‌بندی علمی و داوری منصفانه و نهایی از تحولات انقلابی در قرن انقلاب‌ها یا سده بیستم است.

- متأسفانه امکان دسترسی نگارنده این سطور به نسخه اصلی کتاب فراهم نبود تا بتوان داوری درست و قابل اعتمادی درباره چگونگی برگردان اثر به عمل آورد. با این حال، با توجه به پیشگفتار مترجم محترم و مطالب کتاب می‌توان چنین اظهارنظر کرد که متن حاضر، ترجمه کامل کتاب *Theorizing Revolutions* به شمار می‌رود و مترجم کاملاً به ادبیات نویسندگان و چهارچوب مقاله‌های آن وفادار بوده و امانت در ترجمه را رعایت کرده است. به عبارت دیگر، روح متن اصلی بر متن ترجمه حاکم است و کاملاً احساس می‌شود.

- مترجم در حد متعارف به اصول ترجمه (معادل‌یابی دقیق، توضیح و نقد مطالب در قالب نگارش مقدمه و پاورقی و...) توجه داشته است؛ زیرا معادل‌یابی برای واژه‌های تخصصی را به طور جدی پیگیری کرده و برخی توضیحات کوتاه - ولی ضروری - را در پاورقی آورده است که به تبیین و تفهیم بهتر مطالب کمک می‌کند (برای نمونه، ص ۶۲، ۷۸، ۱۱۱ - ۱۱۰، ۱۲۸، ۱۹۳، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۳ - ۲۳۱، ۲۳۹ - ۲۳۵، ۳۰۱)، همچنین، در پیشگفتار خود، یک گزارش و معرفی نقادانه از سرفصل‌ها و مطالب متن ارائه و خوانندگان را برای مطالعه و تحقیق در دو بخش اصلی و فصل‌های نه گانه کتاب مهیا کرده است (ص ۱۴ - ۹).

- بررسی زمینه‌ها، علل، فرایند و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران، به طور مستقیم در دستور کار و سرلوحه برنامه ویراستار کتاب و نویسندگان مقاله‌ها قرار ندارد؛ اما با توجه به شماره صفحاتی که ذیل واژه ایران به در نمایه کتاب ذکر شده است (ص ۳۸۱)، با مراجعه به مطالب این صفحه‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که در بیشتر موارد، نمونه انقلاب ایران و سایر تحولات انقلابی در تاریخ معاصر ایران به عنوان مصداق بحث مورد اشاره، بررسی و نقد شده است. در بیشتر این مطالب، رویکرد اثر به تبیین و تحلیل تحولات انقلابی ایران، علمی و پژوهشی است. در کل، از این مطالب رویکرد منفی و غیرعلمی استنباط نمی‌شود؛ زیرا در این مباحث، هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف - به طور یکسان و بی‌طرفانه - تحلیل و تبیین می‌شوند. خلاصه‌ای این مطالب در بخش معرفی اثر آورده شد؛ که بیانگر رویکرد علمی اثر به تحولات ایران است و سوگیری خاصی از آن استنباط نمی‌شود. با این حال، انتقادهای وارده در قسمت بعد مطرح خواهد شد.

- با توجه به ابعاد علمی و غنای محتوایی اثر و بررسی انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی معاصر جهان که در چهارچوب نظریه‌های مختلف صورت می‌گیرد و بر زوایا و عناصر گوناگون انقلاب‌ها پرتویی روشن می‌افکند، مطالعه این کتاب برای مدرسان، دانشجویان و پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مفید ارزیابی می‌شود؛ زیرا با مطالعه آن، با جدیدترین رهیافت‌های نظری در حوزه نظریه‌پردازی انقلاب‌ها آشنا می‌شوند. بدیهی است این توصیه به معنای نادیده گرفتن برخی ایرادهای شکلی و محتوایی کتاب نیست. بنابراین، هنگام مطالعه آن باید نگرشی انتقادی اتخاذ شود تا سره از ناسره تفکیک شود. به هر حال، نقاط قوت کتاب بر نکات ضعف آن می‌چربد و آنها را پوشش می‌دهد.

۲-۴. نقاط ضعف یا کاستی‌ها

- به رغم قوت و برجستگی اثر از حیث معادل‌سازی واژه‌های تخصصی، برخی معادل‌های آن چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. برای مثال، واژه ترکیبی «دولت - ساختمان‌گرایی» (بند آخر ص ۲۸) مبهم است و منظور نویسنده مقاله را که «بر چگونگی تأثیر دولت در شکل دادن به هویت‌ها و پیوندهای اجتماعی، آرمان‌ها، و حتی عواطف کنشگران در جامعه مدنی توجه دارد» (ص ۳۰)، صریح و روشن بیان نمی‌کند؛ همچنین، associational networks در زیرنویس صفحه ۴۵ کتاب به «شبکه ارتباطی اجتماعی یا مجمعی یا انجمنی» برگردانده شده است بی‌آنکه دلیل خاصی برای این تعدد تعابیر ذکر شود، علاوه بر آن، این اصطلاح در صفحه ۴۳ «شبکه‌های ارتباطی» و در بند آخر صفحه ۴۵ «شبکه‌های مجمعی» ترجمه شده است. در واقع، در طول متن، در ترجمه برخی واژه‌های تخصصی، یک سبک و روال منطقی، هماهنگ و یکنواخت به کار نرفته است. بنابراین، نوعی اغتشاش مفهومی در این موارد دیده می‌شود.

- با توجه به گستره جغرافیایی کتاب که همه نقاط جهان را دربرمی‌گیرد، استفاده از نقشه و تصویر برای ترسیم نقاط انقلاب‌خیز جهان، برای تفهیم بهتر مطالب ضروری به نظر می‌رسد که متأسفانه از این ابزار استفاده نشده است.

- ضرورت بررسی نقادانه ادبیات موضوع و سیر تحول نظریه‌پردازی انقلاب‌ها در مقدمه اثر احساس می‌شود که متأسفانه صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، سابقه تاریخی موضوع کتاب تبیین نشده است تا با بررسی انتقادی نظریه‌های کلاسیک انقلاب، تبیین جدیدی از نظریه‌های نوظهور انقلاب ارائه شود. نویسنده بر این عقیده است که «تمامی فصول این کتاب، فرهنگ را به مرکز مطالعه انقلاب‌ها فراخوانده و برنامه کار خود را از بررسی‌های ساختارگرایی محض جدا نموده است.» (ص ۲۷۲). در حالی که این ادعا صرفاً درباره بخش دوم کتاب صدق می‌کند و ماهیت بخش نخست به طور کلی، ساختارگرایانه است.

- با توجه به اینکه منابع مورد استفاده در کتاب، تنها گستره زمانی ۱۹۹۶ و قبل از آن را در برمی‌گیرد، چنین به نظر می‌رسد که این کتاب با تأخیری هشت ساله ترجمه و منتشر شده است. این معضل معمولاً گریبانگیر آثار ترجمه در زبان فارسی است؛ که باید راه‌حل و روش مناسبی برای رفع این نقیصه اتخاذ و تمهیدات لازم برای ترجمه سریع منابع مناسب به زبان فارسی اندیشیده شود.

- به رغم رویکرد علمی و پژوهشی آشکار اثر، نگرش ایدئولوژیکی چپ‌گرایانه برخی از نویسندگان از خلال مطالب رخ می‌نماید. برای نمونه، در مقاله چهارم بخش اول، ظهور جنبش‌های آرمان‌گرا به شرایط مادی نسبت داده و این شرایط شالوده لازم برای فعال شدن آرمان‌ها در درون فرهنگ‌های فعال مخالفان تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، به نظر نویسنده، بحران‌های ایدئولوژیکی از شرایط مادی، مانند فشارهای جمعیتی و ضعف اقتصادی ریشه می‌گیرند (ص ۱۵۵). امروزه با افول گفتمان چپگرایی و بی‌اعتبار شدن روش‌های مارکسیستی، ضعف اساسی این نوع نگرش، تحلیل و تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی کاملاً آشکار و عیان شده است. علاوه بر آن، فرهنگ به طور کلی روبنای شرایط مادی و اقتصادی تلقی نمی‌شود. بدیهی است این رویکرد تحلیلی ساختارگرایانه مبتنی بر زیربنای مادی و اقتصادی، با رویکرد تحلیلی فرهنگ‌محور و آرمان‌گرایانه در بخش دوم کتاب تناسب و هماهنگی ندارد؛ همچنین، ادعای فرهنگ‌محوری و پراستار ساختار کتاب را به چالش می‌کشد.

- به نظر می‌رسد ابهام‌ها و خدشه‌دار بودن روانی، رسایی و سلاست برخی مطالب اثر، ناشی از تقلید مترجم به رعایت قواعد زبان انگلیسی و روح دستور زبان حاکم بر نسخه متن اصلی است. این اشکال در بیشتر متون ترجمه مشاهده می‌شود. از این رو، تمهید راه‌حل‌های مناسب زبان‌شناختی و ادبی برای رفع این نقیصه و روان ساختن مطالب ترجمه، ضروری است.

- به طور کلی، توصیف‌های اجمالی، تحلیل‌ها و تبیین‌های نویسندگان مقاله‌ها درباره زمینه‌ها، علل، فرایند، و پیامدهای انقلاب اسلامی ایران، تقریباً با واقعیات موجود مطابقت و هماهنگی ندارد. با این حال، کتاب جایگاه ویژه و اهمیت درخور توجهی برای انقلاب ایران قائل است و آن را در ردیف پنج انقلاب موفق اجتماعی جهان سوم قرار داده است.

از این رو، بررسی و نقد دقیق دیدگاه‌ها، طرز تلقی‌ها و ارزیابی‌های این اثر درباره انقلاب ایران و سایر تحولات سیاسی و اجتماعی آن، به ترتیب زیر، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد:
نخست، ویراستار در مقدمه کتاب با اشاره به آثار والتین مقدم، نقش زنان در انقلاب‌ها را در قالب دو الگو یادآوری می‌شود: ۱. الگوی پدرسالارانه فرهنگی و اجتماعی زن وابسته به خانواده یا زن در درون

خانواده که انقلاب فرانسه پیش‌تاز آن بود؛ ۲. الگوی برابری خواهانه آزادی زنان یا زن بیرون از خانواده در انقلاب‌های سوسیالیستی که با انقلاب روسیه شروع شد. به نظر والتین مقدم، انقلاب فرانسه به شکلی متناقض، پیشرو مدل زن در خانواده بود که انقلاب‌های مکزیک، الجزایر، ایران و کشورهای اروپای شرقی در قرن بیستم از آن پیروی کردند. در همه این موارد، زنان نقش مهمی در شکل‌گیری انقلاب داشتند؛ اما آرمان حکومت‌های جدید بر تفاوت جنسی تأکید داشت. بنابراین، نوعی واپس‌نگری صورت گرفت. در حالی که، در کشورهای سوسیالیستی، در پی انقلاب، زنان به حقوق رسمی و واقعی بیشتری دست یافتند؛ (ص ۲۱). خانم والتین مقدم، دو الگوی مذکور را با عنوان الگوی رهاسازی زنان از یک سو و الگوی وابستگی زنان از سوی دیگر، دسته‌بندی و تشریح و پیامدهای آن را تبیین کرده است. (ص ۲۱۳ - ۱۹۰). با یک نگرش انتقادی می‌توان گفت که اولاً اگر پیشرو بودن انقلاب فرانسه در الگوی زن در خانواده پذیرفته شود (!)، پیروی انقلاب‌های قرن بیستمی، به ویژه ایران و الجزایر از این الگو جای چون و چرا و بحث و گفت‌وگوی فراوانی دارد؛ زیرا اساساً در انقلاب ایران، گفتمان انقلابی حاکم بیشتر از فرهنگ اسلامی - شیعی نشأت می‌گرفت. الگوی زنان ایرانی در این انقلاب نیز - با توجه به حاکمیت گفتمان اسلامی - الگوهای مذهبی، به ویژه حضرت فاطمه زهرا (س) بود که «اسوه شرافت، مبارزه و فداکاری» تلقی می‌شد و در کتاب نیز به این امر اذعان شده است (ص ۱۹۹). ثانیاً، در مقایسه با کشورهای سوسیالیستی، آزادی و حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران بسیار بیشتر و مناسب‌تر بوده است؛ اگرچه ممکن است به حد مطلوب و اهداف اولیه انقلاب نرسیده باشد، زنان ایران، در راستای این هدف حرکت می‌کنند. در حالی که در کشورهای سوسیالیستی، زنان و مردان - هر دو - به طور یکسان در چهارچوب نظام تک‌حزبی حاکم، آزادی داشتند و در واقع در فقدان آزادی‌های عمومی شریک و برابر بودند. بنابراین، مقایسه وضعیت آزادی زنان در انقلاب ایران با وضعیت آزادی زنان در انقلاب‌های سوسیالیستی «مقایسه مع الفارق» تلقی می‌شود و ارزش و اعتبار علمی لازم را ندارد. ثالثاً، آزادی و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در ایران پس از انقلاب، به هیچ وجه با آزادی و مشارکت آنها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور در پیش از انقلاب اسلامی قابل مقایسه نیست؛ زیرا به طور کلی، آزادی زنان و وضعیت حضور آنها در عرصه‌های مختلف کشور به شکل مطلوبی بهبود یافته است. دوم، در فصل پنجم، براساس آثار پرواند آبراهامیان، جنبش چپ‌گرایانه ایران، متأثر از انقلاب کوبا و نوشته‌های چه گوارا، تحلیل و ارزیابی و نتیجه گرفته شده است که اینها نقش قاطعی در پیروزی انقلاب ایران داشتند (!) اما این ارزیابی سطحی و ساده‌انگارانه و اغراق‌آمیز است؛ زیرا به طور کلی و به دلایل متعدد جنبش‌های چپ‌گرا در ایران، پایگاه اجتماعی درخور توجهی نداشتند و بنابراین نمی‌توانستند نقش ارزنده و به سزایی در پیروزی انقلاب ایران ایفا کنند - اگرچه نقش آنها تنها به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر پاره‌ای از نخبگان سیاسی در فرایند انقلاب قابل انکار نیست. از یک طرف، اعضای این جنبش به دلیل وابستگی به کشورهای بلوک شرق و هواداری از ایدئولوژی‌های مادی‌گرایانه مارکسیستی و کمونیستی، جایگاه برجسته‌ای میان توده‌های مردم نداشتند؛ زیرا آرمان اصلی مردم، گفتمان اسلام - گرای شیعی بود که جهت و هدف حرکت انقلابی آنها را تعیین می‌کرد. از طرف دیگر، در طول سال‌های

دهه ۵۰ شمسی - به دلیل همین فقدان پایگاه اجتماعی - این جنبش را ساواک تارومار کرده بود و بیشتر اعضای آن در زندان به سر می‌بردند.

سوم، در بحث همبستگی بین فشار افزایش جمعیت و بحران‌های سیاسی، فهرست ۲۵ کشور، از جمله ایران، آورده شده است که این کشورها به طور عمده آسیایی و آفریقایی هستند. به نظر نویسنده، در دهه ۹۰ - ۸۰ میلادی، نرخ رشد جمعیت این کشورها ۳٪ و بیشتر بوده و شمار قابل توجهی از آنها کانون عمده جنگ‌های داخلی، انقلاب‌ها و تظاهرات اعتراض‌آمیز بوده‌اند. در نتیجه، ایران نیز در جرگه کشورهای مستعد تحولات انقلابی قرار می‌گیرد. اگر به فهرست مذکور نگاهی سطحی انداخته شود، اصلاً وضعیت ایران با سایر اسامی فهرست قابل مقایسه نیست و قرار گرفتن ایران در این فهرست خود جای سؤال دارد: تانزانیا، اتیوپی، ماداگاسکار، مالاوی، رواندا، نیجر، کنیا، نیجریه، بنین، غنا، توگو، پاکستان، نیکاراگوئه، جمهوری یمن، هندوراس، ساحل عاج، سنگال، اردن، کنگو، تاجیکستان، سوریه، نامیبیا، الجزایر، ایران و پاراگوئه (ص ۱۴۷ - ۱۴۶). ایران در این دوره زمانی، شاهد کمترین تظاهرات اعتراض‌آمیز ناشی از فشار افزایش جمعیت بوده و درگیری‌های کردستان نیز در راستای جنگ خارجی، یعنی جنگ تحمیلی عراق بر ایران قابل تحلیل است و یک جنگ داخلی تلقی نمی‌شود. اگر چه این ادعا از طریق تحقیقات میدانی، قابل بررسی علمی، نقد و تحلیل است، با این حال، همان‌گونه که خود نویسنده درباره جمعیت فرابنده شهری در ایران پیش از انقلاب گفته، فشار ناشی از افزایش نرخ رشد جمعیت در هر کشوری تنها به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار قابل تحلیل است نه به عنوان عامل تأثیرگذار منحصر به فرد (ص ۱۵۴ - ۱۵۳). علاوه بر این، مشکلات اجتماعی و اقتصادی و کمبودهای زیربنایی است که با دخالت عوامل سیاسی، یک جمعیت محروم رو به فزونی را به اعتراض و سرکشی و خیزش وامی‌دارد.

چهارم، با توجه به اینکه، مجموعه مقاله‌های کتاب را هشت صاحب‌نظر و پژوهشگر مختلف نوشته‌اند، در توصیف، تحلیل و تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، به ویژه در مورد انقلاب اسلامی، هماهنگی و انسجام روش‌شناختی و ساختاری در آن دیده نمی‌شود. در واقع، هر یک از نویسندگان مقاله‌ها به فراخور روش و چهارچوب نظری خود و با توجه به نیاز موضوع بحث، از انقلاب ایران و تحولات انقلابی آن به عنوان شاهد مدعا و مصداق بحث بهره برده‌اند. تنها مقاله نهم از این مسئله مستثنی است؛ زیرا از زاویه یک چهارچوب نظری دقیق و مشخص به همه انقلاب‌های جهان نگریسته است و بنابراین، نگرش دقیق، هماهنگ، منسجم و دسته‌بندی‌شده‌ای به این انقلاب‌ها و در نتیجه انقلاب ایران دارد. مهم‌تر اینکه فورن فرهنگ را محور اساسی و مهم فرایندهای انقلابی تلقی می‌کند و این مسئله با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب ایران بهتر درک می‌شود. به علاوه، از نظر وی، انقلاب ایران همه پنج عامل تأثیرگذار موردنظر فورن را دارد. در نتیجه، انقلاب ایران یکی از پنج انقلاب موفق اجتماعی جهان قلمداد و معرفی می‌شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد

۵-۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

صرف‌نظر از برخی ایرادها و اشکال‌ها، کتاب به طور کلی، از حیث شکلی و محتوایی مثبت و مناسب

ارزیابی می‌شود و برای مدرسان، دانشجویان و پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی سیاسی قابل استفاده است. کتاب، حاوی انواع نظریه‌های انقلاب و دیدگاه‌های برخی صاحب‌نظران است. آنان با شیوه و روشی نو، در حوزه تحولات سیاسی و اجتماعی یا انقلاب‌ها و جنبش‌ها نظریه‌پردازی کرده و در این راستا، با بهره‌گیری از منابع جدید و معتبر، نظریه‌های خود را در چهارچوب الگوهای واقعی، یعنی انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی معاصر جهان، به محک آزمون و ارزیابی نقادانه نهاده‌اند. به عبارت دیگر، از منظر نظریه‌های مختلف انقلاب، تقریباً همه انقلاب‌های معاصر، به ویژه انقلاب‌های سه دهه متاخر سده بیستم میلادی، به عنوان نمونه و مصداق بحث، بررسی و نظریه‌پردازی شده‌اند.

در نتیجه، یک چهارچوب نظری فراگیر «تطبیقی - تاریخی» از انقلاب‌های جهان سومی ارائه می‌شود. این تحلیل و تبیین علمی، با استفاده از ابزار علمی - مانند طرح بحث مقدماتی، آمار و ارقام، شکل، نمودار، جدول، و معادله‌های ریاضی - صورت می‌گیرد و نتیجه‌گیری منطقی به دست می‌دهد. در این شیوه، بهره‌گیری از معادله‌های ریاضی، مدل‌های آماری و نمودارها و شکل‌های مقایسه‌ای، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. بنابراین، روش پژوهش نویسنده یا نویسندگان اثر، سبکی نو به شمار می‌رود و افقی جدید در حوزه مطالعات کمی و کیفی نظریه‌های انقلاب و تحولات انقلابی می‌گشاید. و در نتیجه، الگوی مناسبی برای مطالعه و پیش‌بینی شرایط بحران‌های اجتماعی و تحولات انقلابی تلقی می‌شود. ویراستار و گردآورنده اثر، مقاله‌های مختلف را - که هر یک از منظر یک نظریه به مقوله انقلاب نگریسته‌اند - به صورت منطقی، منجسم، هماهنگ و جامع در کنار هم چیده و به یک نتیجه‌گیری علمی تطبیقی - تاریخی دست یافته است. بنابراین، کتاب به عنوان یک منبع درسی و مرجع پژوهشی، در کنار سایر آثار حوزه نظریه‌های انقلاب قابل بهره‌گیری است. داده‌ها و اطلاعات روزآمد و منابع جدید و معتبر و تحلیل‌ها و تبیین‌های دقیق اثر هم بر اعتبار آن می‌افزاید.

۲-۵. پیشنهادها و توصیه‌های اصلاحی و سازنده

کتاب حاضر، یک متن ترجمه است و بدیهی است که امکان بازنگری اساسی در محتوای آن وجود ندارد. با این حال، به منظور بهبود کیفیت شکلی و محتوایی اثر، پیشنهاد می‌شود اصلاحات زیر - در حد توانایی و وسع مترجم و ناشر محترم - به هنگام تجدید چاپ احتمالی اثر اعمال شود تا جامعه علمی کشور شاهد قوت و غنای علمی بیشتر کتاب باشد:

- ذکر اسامی تک تک نویسندگان مقاله‌ها (همکاران جان فورن) بر روی جلد کتاب ضروری به نظر می‌رسد.

- بازنگری در برخی معادل‌های واژه‌های تخصصی - که کمی ثقیل و غیررایج به نظر می‌رسند - و انتخاب معادل‌های دقیق، روشن و رسا، بر مطلوبیت محتوایی اثر خواهد افزود.

- بازنگری در ویرایش فنی و ادبی متن، موجب رفع نارسایی‌ها و ابهام‌های موجود در ابعاد معادل‌سازی، اغلاط چاپی و املائی و ارقام و اشتباه‌های تاریخی می‌شود. از سوی دیگر، مطالب متن از قید و بند زبان اصلی کتاب رها می‌شود و رنگ و بوی ادبیات بومی و فارسی به خود می‌گیرد و در نهایت، متنی روان‌تر، رساتر و سلیس‌تر ارائه خواهد شد.

- بهره‌گیری بیشتر از ابزار علمی - مانند نقشه، تصویر، و آزمون - برای تبیین و تفهیم بهتر مطالب، بر اعتبار علمی اثر می‌افزاید. برای مثال، با نقشه می‌توان مناطق بحرانی و انقلاب‌خیز امریکای مرکزی، امریکا جنوبی، آسیا و آفریقا را ترسیم و با هم مقایسه کرد. همچنین، روابط و تعامل انقلابیون و نحوه اشاعه و گسترش یا صدور انقلاب را تبیین و تحلیل کرد.

- مهم‌تر از همه، با استفاده از پاورقی و زیرنویس و توضیح بیشتر می‌توان به درک بهتر و بیشتر مطالب کمک کرد و یا زمینه‌های ابهام خوانندگان را برطرف کرد. البته این کار تا حدی صورت گرفته است؛ اما با توجه به احساس نیاز می‌توان آن را توسعه داد. در مورد تحولات ایران، به ویژه انقلاب اسلامی، ضرورت توضیح در پاورقی و زیرنویس احساس می‌شود؛ ضمن آنکه می‌توان با یک نگرش انتقادی، رویکرد اثر را به ایران و انقلاب اسلامی ایران به بوتۀ نقد نهاد و آن را به عنوان پیوست متن در چاپ‌های بعدی منتشر ساخت.

- تبیین سابقۀ تاریخی نظریه‌پردازی انقلاب‌ها در پیشگفتار یا مقدمه لازم است.

پی‌نوشت‌ها

۱. استادیار دانشگاه امام حسین(ع).

۲. نظریه‌پردازی انقلاب‌ها؛ جان فورن او دیگران؛ ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ۳۴۲ صفحه.

3. Silence revolutions.

۴. انقلاب مخملی یا انقلاب نارنجی یا انقلاب سفید یا انقلاب آبی مبتنی بر خیزش آرام و دموکراتیک نیروهای اجتماعی خاموش جامعه برای براندازی نظام حاکم و جایگزینی یک نظام مطلوب است. وجه تسمیۀ این انقلاب‌ها، ناشی از اعتراضات آرام ولی سازش‌ناپذیر نیروهای انقلابی است که تا هنگام نیل به هدف انقلابی خود - یعنی براندازی نظام حاکم و جایگزینی نظام جدید - ادامه می‌یابد. برای مثال، در جریان تحولات انقلابی اوکراین، هواداران نامزد طرفدار غرب در انتخابات ریاست جمهوری که به حداقل اختلاف شکست خورده بود (با پوشیدن لباس‌های نارنجی رنگ مثل، کلاه، دستکش، پلیور، پیراهن و...) و حضور اعتراض‌آمیز شبانه‌روزی در خیابان‌ها، صف‌بندی خود را از نیروهای هوادار نظام حاکم متمایز ساختند و تا تحقق پیروزی کامل، این شیوه و روش اعتراض‌آمیز آرام را ادامه دادند.

۵. ر. ک. به: عباس خلجی، «معرفی و نقد تطبیقی منابع رایج نظریه‌های انقلاب»، *نامه علوم انسانی*، دو فصلنامه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ویژه علوم سیاسی، شماره‌های ۸ و ۹، تابستان، پاییز و زمستان ۸۲ و بهار ۸۳، ص ۱۸ - ۵. در این مقاله، نگارنده ضمن معرفی نه اثر فارسی، چهار منبع مهم رایج در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را به صورت مقایسه‌ای بررسی و نقد کرده است. مشخصات منابع مذکور به شرح زیر است (که چهار مورد نخست بررسی و نقد شده‌اند):

- آلوین استانفورد کوهن، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمۀ علیرضا طیب، چاپ چهارم، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۴.

- حسین بشیریه، *انقلاب و بسیج سیاسی*، چاپ دوم، تهران: مؤسسۀ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

- مصطفی ملکوتیان، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲.

- عباس منوچهری، *نظریه‌های انقلاب*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۰.

- هانا آرنه، *انقلاب*، ترجمۀ عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱.

- کرین برینتون، *کالبدشکافی چهار انقلاب*، ترجمۀ محسن ثلاثی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۶.

- چالمرز جانسون، *تحول انقلابی*، ترجمۀ حمید الیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

- پیتر کالورت، *انقلاب*، ترجمۀ ابوالفضل صادق‌پور، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

- برینگتون مور، *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمۀ حسین بشیریه، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.

نیز. ر. ک. به: جان فورن، *مقاومت شکننده، تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷. فورن در این کتاب، تحولات اجتماعی تاریخ پانصد سال اخیر ایران را از دیدگاه مارکسیتی، توصیف، تحلیل و تبیین کرده است.

مشخصات کتاب شناختی نسخه انگلیسی این کتاب به شرح زیر است:

John Foran, *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the revolution*, Boulder: Westview press, 1993.

6. Original.

